

ایران ورزشی

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
● سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
● تلفن: ۱۴ - ۸۸۵۰۴۱۱۳۳ - نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۴۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۷۲۱۹۵۴ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۸۸۸-۱۵۸۷۵

هشت هفته، سه برکناری؛ شاهکار مدیران عامل روی نیمکت‌ها

لیگ برتر یا میدان مین؟!

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

هنوز یک چهارم لیگ هم به پایان نرسیده بود که نیمکت‌ها لرزیدند. تنها هشت هفته از فصل گذشته بود و سه باشگاه با سرمربیان خود قطع همکاری کرده بودند؛ چند مربی دیگر هم در آستانه خروج از تیم‌هایشان قرار داشتند.

این وضعیت، پرسش مهمی را درباره معیار انتخاب مربیان و میزان صبر مدیران فوتبال ایران مطرح می‌کند؛ پرسشی که پاسخ آن را باید هم در جدول مسابقات و هم در کارنامه مربیانی جست‌وجو کرد که بدون تجربه کافی، از سطوح پایین‌تر به نیمکت لیگ برتر رسیده‌اند.

لیگ برتر فوتبال ایران بالاترین سطح رقابت‌های باشگاهی کشور است؛ جایی که هر امتیاز می‌تواند بر سرنوشت یک باشگاه، وضعیت شغلی بازیکنان و کارکنان و انتظارات میلیون‌ها هوادار اثر بگذارد. با این وجود، در سال‌های اخیر شاهد انتخاب سرمربانی بوده‌ایم که نه‌تنها تجربه هدایت تیمی در این سطح را ندارند؛ بلکه گاهی حتی سابقه سرمربیگری در هیچ سطحی را نیز در کارنامه خود ثبت نکرده‌اند. چنین تصمیم‌هایی می‌تواند به تیم‌ها آسیب بزند و مسیر رشد تدریجی مربیان جوان را نیز مختل کند.

پس از هفته هشتم، صنعت نفت آبادان با چهار امتیاز در رتبه هفدهم قرار داشت. شمس‌آذر با شش امتیاز، یک برد، سه تساوی و چهار شکست، پانزدهم بود و من شهریار یک نیز با پنج امتیاز در جایگاه هفدهم قرار داشت. هدایت این تیم‌ها به مربیانی سپرده شده بود که حضور در لیگ برتر برایشان تجربه‌ای تازه به شمار می‌رفت.

در آغاز فصل، محمد نوری و قاسم شهباز تنها دو سرمربی بدون سابقه هدایت تیم در لیگ برتر بودند. به بیان دیگر، از میان ۱۸ مربی، تنها دو نفر برای اولین بار وارد این سطح شده بودند. حالا باید پرسید چرا این فرصت‌ها پس از تنها هشت هفته به پایان رسیدند و مدیران باشگاه‌ها بر چه اساسی به سراغ گزینه‌هایی رفتند که آمادگی آنها برای چنین مسئولیتی

محل تردید بود؟ تقریباً از ابتدای فصل می‌شد پیش‌بینی کرد که برای مربیانی مانند نوری، شهباز و رضایی، عبور از دشواری‌های لیگ برتر آسان نخواهد بود. این پیش‌بینی به معنای انکار استعدادهای آنها نیست؛ بلکه به تفاوت میان توانایی مربیگری و آمادگی برای هدایت یک تیم در بالاترین سطح فوتبال کشور اشاره دارد. مدیران باشگاه‌ها بار دیگر به انتخاب‌هایی روی آوردند که در صورت ناکامی، هم به تیم آسیب می‌زند و هم فرصت پیشرفت تدریجی را از مربی می‌گیرد.

محمد نوری چهارای شناخته‌شده در فوتبال ایران است. او سابقه بازی در تیم ملی را دارد و سال‌ها پیراهن پرسپولیس را بر تن کرده است. اما شهرت دوران بازیگری به‌تنهایی معیار صلاحیت سرمربیگری نیست. نوری پیش از این در کادر فنی تیم‌هایی مانند ذوب‌آهن، ملوان، گل‌گهر و صنعت نفت آبادان فعالیت کرده بود، اما هدایت یک تیم به‌عنوان سرمربی برای اولین بار به او سپرده شد. حاصل کارش در هشت مسابقه، چهار تساوی و چهار شکست بود و پس از باخت سه بر یک برابر پرسپولیس، همکاری او با باشگاه به‌صورت توافقی پایان یافت. جانشینش نیز همان مربی‌ای شد که فصل گذشته هدایت تیم را برعهده داشت و نوری دستیارش بود. این جابه‌جایی پرسشی جدی ایجاد می‌کند: اگر قرار بود باشگاه دوباره به گزینه‌ای باتجربه‌تر اعتماد کند، چرا از ابتدا چنین تصمیمی نگرفت؟ تجربه فوتبال جهان نشان می‌دهد که رسیدن به نیمکت تیم‌های بزرگ معمولاً نتیجه طی کردن مسیر تدریجی است. الکس فرگوسن پیش از منچستر یونایتد سال‌ها در باشگاه‌های اسکاتلندی مربیگری کرد. آرسن ونگر پیش از آرسنال، نانسی و موناکو را هدایت کرده بود و یورگن کلپ پس از سال‌ها فعالیت در ماینس به دورتموند رسید. پپ گواردیولا پیش از هدایت بارسلونا، سرمربی تیم دوم این باشگاه بود و زین‌الدین زیدان نیز مسیر خود را از تیم کاستیا، تیم دوم رئال مادرید، آغاز کرد. این مربیان پیش از پذیرش مسئولیت‌های بزرگ‌تر، تجربه لازم را به دست آوردند.

در فوتبال ایران هم نمونه‌های موفقی از این مسیر وجود دارد. یحیی گل‌محمدی پس از تجربه دستیاری وارد چرخه



تقریباً از ابتدای فصل می‌شد پیش‌بینی کرد که برای مربیانی مانند نوری، شهباز و رضایی، عبور از دشواری‌های لیگ برتر آسان نخواهد بود.

این پیش‌بینی به معنای انکار استعدادهای آنها نیست؛ بلکه به تفاوت میان توانایی مربیگری و آمادگی برای هدایت یک تیم در بالاترین سطح فوتبال کشور اشاره دارد.



برش

ثبات نیمکت؛ مسأله مشترک فوتبال جهان

پژوهش مرکز مطالعات فوتبال CIES نشان می‌دهد در آوریل ۲۰۲۵، در میان ۶۵ لیگ بررسی شده، حدود ۷۵ درصد مربیان لیگ‌های برتر کمتر از یک سال در سمت خود حضور داشتند. در لیگ برتر انگلیس نیز نیمی از مربیان کمتر از یک سال سابقه حضور در تیم فعلی خود را داشتند. در یونیس لیگا، میانگین ماندگاری مربیان حدود ۷۹۷ روز بود؛ آمار که حضور نزدیک به ۱۸ ساله فرانک اشمیت در هایدنهایم در آن تأثیر داشت. پژوهش سال ۲۰۲۲ همین مرکز نیز میانگین ماندگاری مربیان را ۴۵۱ روز و میانگین آن را ۲۴۳ روز اعلام کرده بود. بی‌ثباتی نیمکت‌ها پدیده‌ای جهانی است، اما این واقعیت نباید بهانه‌ای برای تکرار آن باشد. تفاوت در میزان پایداری باشگاه‌ها به برنامه فنی و ارزیابی بلندمدت است.

سرمربیگری شد و سال‌ها بعد، پس از طی کردن مراحل مختلف مربیگری، با پرسپولیس به قهرمانی رسید. البته در هر لیگی استثناهایی وجود دارد و برخی مربیان جوان در اولین فرصت خود در سطح بالا موفقی می‌شوند؛ اما استثنا را نمی‌توان به قاعده تبدیل کرد. انتخاب سرمربی بر پایه شانس، قمار است که هزینه آن را باشگاه، بازیکنان و هواداران می‌پردازند. تردیدی نیست که فوتبال ایران مربیان

جوان برنامه داشته باشند؛ برنامه‌ای که هم آینده حرفه‌ای آنها را در نظر بگیرد و هم منافع باشگاه و هواداران را حفظ کند. لیگ برتر جای آزمون و خطای بی‌برنامه نیست. این رقابت‌ها، لیگ دو نیستند و نیمکت تیم‌های حاضر در آن نباید به آزمایشگاهی برای تصمیم‌های بدون پشتوانه تبدیل شود. سرمربیگری در بالاترین سطح فوتبال کشور باید مقصد یک مسیر حرفه‌ای باشد، نه نقطه شروع آن.

وحید رضایی؛ میانبر از لیگ دو به لیگ برتر

وحید رضایی پیش از حضور در شمس‌آذر، سرمربی مس شهریارک و داماش گیلان بود و سابقه فعالیت در تساجی و ذوب‌آهن را نیز داشت. با وجود این، تجربه محدود او در سرمربیگری سطح بالا، انتخابش برای لیگ برتر را به تصمیمی پرریسک تبدیل کرد.

شمس‌آذر فصل گذشته، پیش از توقف لیگ در هفته بیست‌وسوم به دلیل جنگ، از ۲۳ مسابقه تنها سه پیروزی کسب کرده بود. این تیم در ۹ بازی خانگی نیز به برد نرسید و در فصل جاری هم برای فاصله گرفتن از منطقه سقوط با دشواری روبه‌روست. از آخرین پیروزی شمس‌آذر مقابل هواداران رش ورزشگاه سردار آزادگان قزوین نیز ۲۵۵ روز گذشته است. البته نتایج ضعیف را نمی‌توان تنها به حساب سرمربی نوشت؛ کیفیت بازیکنان، منابع مالی و مدیریت باشگاه نیز اهمیت دارند. با این حال، انتخاب مربی باید براساس تجربه و توانایی او انجام شود، نه صرفاً امید به اینکه حضور در لیگ برتر به‌تنهایی زمینه پیشرفت را فراهم می‌کند.



کنیم. متأسفانه ما در فوتبال مان واقعاً کار گروهی را بلد نیستیم. در حالی که می‌توانیم با همکاری و انتقال تجربه، به تیمی که با مشکل روبه‌رو شده کمک کنیم تا دوباره شرایط مناسبی پیدا کند.»

میرزاییان با اشاره به نمونه‌هایی از همکاری مربیان با یکدیگر توضیح داد: «بازها اتفاق افتاده که مربیانی در شرایط سخت قرار گرفته‌اند و از مربیان دیگری که بیرون از فوتبال یا خارج از آن تیم بوده‌اند، کمک فکری گرفته‌اند. حتی دیده‌ایم که این همکاری‌ها به احیای دوباره یک تیم منجر شده است. چه اشکالی دارد که در چنین شرایطی به هم کمک کنیم؟»

او در ادامه توضیح داد: «وقتی یکی مربی با چالش روبه‌رو می‌شود، می‌توانیم کمک کنیم از آن شرایط خارج شود؛ نه اینکه وضعیت را برایش سخت‌تر کنیم تا خودمان جایگزین او شویم. فوتبال به همکاری، اخلاق حرفه‌ای و احترام متقابل نیاز دارد. اگر قرار است شرایط این رشته بهتر شود، باید این نگاه در میان مربیان و مدیران تقویت شود.»

امیر خلیفه اصل؛ گزینه‌ای آشنا با باشگاه

امیر خلیفه اصل سال‌ها بازیکن استقلال اهواز بود و پس از دستگیری در استقلال خوزستان، سابقه سرمربیگری شهرداری بندرعباس و شهرداری ماهشهر را به دست آورد. پس از جدایی یوزوویچ به دلیل مطالبات پرداخت‌نشده، خلیفه اصل

موقتاً هدایت استقلال خوزستان را برعهده گرفت و سپس قراردادش تمدید شد. تیم جوان او در فصل جاری توانست اولین شکست فصل را به تراکتور تحمیل کند. البته استقلال خوزستان با شش امتیاز در رتبه شانزدهم قرار دارد و

مشکلاتش همچنان پابرجاست. شناخت خلیفه اصل از باشگاه و بازیکنان، در کنار توانایی ساختن تیمی چنگنده با امکانات محدود، از امتیازهای اوست؛ اما موفقیت چنین انتخابی به حمایت واقعی باشگاه نیز وابسته است.

قاسم شهباز؛ صعود از لیگ یک سقوط اعتماد

قاسم شهباز مس شهریارک را تا هفته سی‌دوم با ۶۴ امتیاز، ۱۸ برد و ۱۰ تساوی و چهار شکست به رتبه دوم لیگ یک رساند. تیمش نیز در کنار فرد البرز بهترین خط دفاعی لیگ را داشت و باشگاه

پیش از پایان فصل قرارداد او را تمدید کرد.

اما لیگ برتر شرایط متفاوتی دارد. کیفیت بازیکنان، فشار مسابقات و توجه رسانه‌ها بیشتر است. شهباز نیز به دشواری برنامه پیش‌رو اشاره کرده و مس شهریارک پس از هشت هفته همچنان بدون برد، مانده است.

مسأله، محروم کردن مربیان موفق لیگ یک از فرصت حضور در سطح بالاتر نیست؛ بلکه باشگاه‌ها باید متناسب با تجربه مربی، امکانات تیم و دشواری رقابت‌ها برنامه‌ریزی کنند. اعتماد به مربی جوان ضروری است، اما انتظار نتیجه فوری بدون فراهم کردن شرایط مناسب، تصمیمی حرفه‌ای نیست.

پیروز قربانی؛ مسیر درست پیشرفت

پیروز قربانی نمونه‌ای از طی کردن پله‌های مربیگری است. او فعالیت خود را به‌عنوان دستیار راه‌آهن آغاز کرد، سه فصل سردار یوگان را هدایت کرد و سپس دستیار سایپا شد. پس از آن نیز سرمربی رایگا یابل، شهرداری آستارا و نفت و گاز چغساران بود و در نهایت به فجر سپاسی رسید. قربانی با فجر، ۳۰ هفته صدرنشین لیگ آزادگان بود و این تیم را به لیگ برتر رساند. فجر در اولین فصل حضور در سطح اول فوتبال ایران نیز به رتبه هشتم رسید. او اکنون سرمربی آلومینیوم اراک است؛ تیمی که با ۱۳ امتیاز در رتبه ششم قرار دارد.

مسیر قربانی نشان می‌دهد تجربه در سطوح مختلف و اثبات توانایی می‌تواند زمینه موفقیت در لیگ برتر را فراهم کند. پیشرفت تدریجی به مربی فرصت یادگیری می‌دهد و ریسک انتخاب باشگاه را کاهش می‌دهد.

وقتی اعتمادها از ربیعی سلب شد

در شرایطی که مربیان کم‌تجربه فرصت حضور در لیگ برتر را پیدا می‌کنند، برخی مربیان باتجربه‌تر بدون تیم می‌مانند. محمد ربیعی فعالیت خود را سال ۱۳۹۰ با سایپا مهر کرج آغاز کرد و پس از هدایت تیم‌هایی مانند بادران و آلومینیوم اراک، به مس رفتسجان رسید. او با مس قهرمان لیگ یک شد و به لیگ برتر صعود کرد. سپس ذوب‌آهن را به رتبه‌های پنجم و ششم رساند.

ربیعی در بهمن ۱۴۰۴ جانشین اسکوچیچ در تراکتور شد، اما اکنون بدون تیم است و فدراسیون برای هدایت

تیم امید ای او مذاکره می‌کند. چرا مربی‌ای با سابقه رساندن ذوب‌آهن به رتبه پنجم باید بیرون از چرخه رقابت بماند، اما مربی دیگری با تجربه محدود در سطح اول فوتبال، هدایت تیمی گرفتار در پایین جدول را بر عهده بگیرد؟ پاسخ را باید در شیوه انتخاب مربیان، نگاه کوتاه‌مدت مدیران و نبود معیارهای روش ارزیابی جست‌وجو کرد.

عطش رسیدن به نیمکت لیگ برتر حتی به پیشنهادهایی غیرمستعارف، از جمله سرمربیگری به شرط تأمین اسپانسر، برخورداری از حمایت‌های غیرفوتبالی و فعالیت رایگان، منجر شده است. چنین رویکردی جایگاه تخصص و شایستگی را تضعیف می‌کند و انتخاب سرمربی را از فرآیندی حرفه‌ای دور می‌سازد.

دنیای چطور مربی می‌سازد؟

نردبان مدارک: از C تا Pro

یوفا مسیر آموزش مربیان را با مدارک C و B.A Pro تعریف کرده است. مدرک Pro بالاترین سطح این نظام آموزشی است. در آسیا نیز دوره حرفه‌ای کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) جایگاه مهمی در مسیر مربیگری دارد.

مدارک مختلف، امکان فعالیت در رده‌های پایه، تیم‌های ذخیره و باشگاه‌های حرفه‌ای را متناسب با سطح آموزش فراهم می‌کنند. شرایط کشورها متفاوت است، اما تجربه عملی از پیش‌نیازهای مهم دوره‌های بالاتر محسوب می‌شود.

برای ورود به دوره Pro در اسکاتلند، مدرک A و دست‌کم یک سال تجربه مربیگری پس از آن لازم است. در وولز سابقه حرفه‌ای مرتبط اهمیت دارد و در اسپانیا تجربه مربیگری در رده‌های بالای جوانان، فوتبال آماتور یا دستیار در فوتبال حرفه‌ای از مسیرهای ورود به دوره حرفه‌ای است. منطق این نظام روشن است: آموزش نظری باید با تجربه عملی همراه شود. مدرک به‌تنهایی مربی موفق نمی‌سازد؛ همان‌طور که شهرت دوران بازیگری نیز تضمینی برای موفقیت روی نیمکت نیست.

واکنش

امیر میرزاییان، مربی سابق ذوب‌آهن، با انتقاد از برخی رفتارها در فوتبال ایران، معتقد است تماس گرفتن با مربیان شاعر و تلاش برای جایگزینی آنها در زمان ناکامی، رفتاری غیرحرفه‌ای است که از ضعف کار گروهی در فوتبال کشور نشأت می‌گیرد. او تأکید دارد مربیان و مدیران به جای دوشواری کردن شرایط برای همکاران خود، باید در روزهای سخت به یکدیگر کمک کنند.

امیر میرزاییان درباره رفتارهایی که گاهی در جریان تغییرات نیمکت تیم‌ها دیده می‌شود، گفت: «این اتفاقات خوب نیست. اینکه با مربی‌ای که مشغول کار است تماس بگیریم و بگوییم اگر فلان مربی نتیجه نگیرد، من می‌آیم و رایگان کار می‌کنم، این رفتار درستی نیست. درباره برخی مسائل، از جمله اینکه مربی بخشی از پول سال آینده‌اش را گرفته یا قراردادش را فسخ کرده، حرف‌ها و

میرزاییان: قبل از مربی بودن، باید معلم باشیم!